

علل شکل گیری شخصیت با تاکید بر آموزه های اسلام

حدیث صیادی، فاطمه اله دادی ، بنفشه غلامی^۱

^۱ . مدرسه علمیه فاطمه الزهرا-سلام علیها- سطح ۲.

چکیده:

شخصیت به معنای مجموعه‌ای از رفتار و شیوه‌های تفکر شخص در زندگی روزمره که با ویژگی‌های بی‌همتا بودن، ثبات و قابلیت پیش‌بینی می‌باشد یا شخصیت همان، سازمان‌بندی پویایی در درون فرد است و شامل آن دسته از نظام‌های روانی - فیزیکی که رفتار و تفکر او را تعیین می‌کند. از منظر اسلام، رفتارهای انسان ناشی از ثبات شخصیت اوست؛ یعنی انتخاب‌ها، رفتارها، واکنش‌ها، دوستی‌ها و دشمنی‌ها و چگونگی ابراز عواطف، در شخصیت و ثبات آن ریشه دارد. شخصیت سالم، منشأ رفتارها و عواطف مثبت و سازنده است؛ برای درک حیات طیب و احساس امنیت، رضایت و شادکامی، باید ساختار شخصیتی فرد، یعنی نظام باورها، اندیشه‌ها، عادات و ویژگی‌های اخلاقی او سامان یابد و هدف بعثت انبیای عظام و نزول قرآن کریم، تربیت انسان و ساخت شخصیت سالم انسانی، با تنظیم رابطه سازنده با خدا، خود، مردم و جهان هستی بوده است. شکل‌گیری ثبات شخصیت ناشی از عواملی است که بدون توجه و شناخت آنها، نمی‌توان برنامه تربیتی مناسبی برای انسان طراحی نمود. این عوامل به دو دسته عوامل بیرون و محیطی تقسیم می‌شوند. این مقاله درصدد است تا برخی از مهم‌ترین عوامل بیرونی و درونی که در شکل‌گیری ثبات شخصیت مؤثر است را، از دیدگاه اسلام و روان‌شناسی به اختصار بررسی کند.

کلیدواژه: ثبات شخصیت، عوامل مؤثر، اسلام، روان‌شناسی.

مقدمه

شخصیت هر کس معرف وجود اوست و کلیت روان‌شناختی و هستی‌شناختی وی را تشکیل می‌دهد. ثبات شخصیت هر کسی در طول زمان، به تدریج شکل گرفته و عوامل متعدد و گوناگونی در شکل‌گیری آن مؤثر بوده و بدون سخن از این عوامل، تعریف شخصیت بی‌معنا و نامفهوم است؛ بنابراین اگر بخواهیم به درک صحیحی از شخصیت انسان برسیم، باید به بررسی عوامل تکوین شخصیت سخن بپردازیم. از سوی دیگر، انسان پیوسته در تلاش برای کسب شخصیتی مطلوب و ارزنده است و بدون آگاهی از عوامل مؤثر در شکل‌گیری چنین شخصیتی، نمی‌تواند به ثبات شخصیت مطلوب و آرمانی خود دست یابد. علاوه بر اینها، انسان در طول زندگی خود، پیوسته یا مرتبی است و یا مرتبی؛ یا تأثیر می‌پذیرد و یا تأثیر می‌گذارد و در هر صورت، پای عامل تأثیرگذار بر شخصیت در میان است؛ به ویژه آن‌گاه که انسان درصدد تأثیرگذاری و پرورش دیگران به عنوان یک مرتبی شایسته برمی‌آید، هم باید به نقش عاملیت خود واقف باشد و هم نقش سایر عوامل تأثیرگذار را به خوبی درک کند و بدون برخورداری از این ویژگی، نمی‌تواند رسالت خود را به عنوان یک مرتبی ایفا نماید. علم روان‌شناسی عوامل مؤثر در ایجاد ثبات شخصیت را منحصر در عوامل بیرونی مانند خانواده، جامعه، مدرسه، گروه همسالان و یا در عوامل درونی مانند ژنتیک، روحیات، اراده، جنسیت و سن می‌داند، در حالی که اسلام نقش عوامل مهم در ایجاد ثبات شخصیت را منحصر در عوامل درونی و بیرونی نمی‌داند، بلکه نقش عواملی مانند اراده، نیروی ایمان را غیرقابل انکار می‌داند و معتقد است ثبات شخصیت از دوران جنینی آغاز می‌شود و تا دوران کهنسالی ادامه می‌یابد.

تعریف شخصیت

۱. در لغت

در لغت نامه دهخدا، «شخصیت» این گونه تعریف شده است: «شخصیت، مأخوذ از شرافت و رفعت و بزرگواری و مرتبه و درجه است».^۱ در فرهنگ عمید: «شخصیت» ذات هر شخص، خلق و خوی مخصوص هر کس و مجموعه ی خصائص یک فرد است که او را از دیگران متمایز می سازد.^۲

۲. در اصطلاح

دانشمندان تعاریف گوناگونی از شخصیت ارایه کرده اند که به عنوان نمونه به دو تعریف اشاره می کنیم: «شخصیت، تکامل یافتن صفات مشخص در خلق شخص همگام با تکامل ساختار بدن، رفتار، توجّهات، توانمندی او، امکانات و کلیّه جهات و مواردی است که به عنوان جنبه تکامل و کمال شناخته شده است».^۳ اصطلاح «شخصیت» عبارت است از تمامی سیستم تمایلات نسبتاً پایدار روانی و جسمی هر فرد؛ تمایلاتی که نحوه تطابق وی را نسبت به محیط روانی، اجتماعی و مادی معین می سازد».^۴

۳. در قرآن

در آیات کریمه قرآن به ثبات شخصیت اشاره شده است برای مثال قرآن می فرماید: «بگو: هر کس بر حسب ساختار خود عمل می کند».^۵ برخی از اندیشمندان دینی با بهره گیری از این آیه در تعریف و ارائه معیارهای اندازه گیری شخصیت پرداخته و مسائلی پیرامون آن مطرح کرده اند: «شاکله در اصل از ماده «شَکَلَ» به معنی مهار کردن حیوان است و از آن جا که روحیات و سجایا و عادت های هر انسانی او را به رویه ای مقید می کند، به آن شاکله می گویند. شاکله، جهت بخش

^۱ . دهخدا، لغت نامه دهخدا، ص ۲۷۹.

^۲ . عمید، فرهنگ فارسی عمید، ص ۱۵۴۳.

^۳ . یادگاری، عبدالمهدی و عاقل فاخر؛ فرهنگ روان شناسی، ص ۱۴۷.

^۴ . پورافکاری، نصرت الله؛ فرهنگ جامع روان شناسی روان پزشکی انگلیسی - فارسی، ج ۲، ص ۱۱۰۶.

^۵ . «قُلْ كُلٌّ يَعْمَلُ عَلَى شَاكِلَتِهِ»، اسراء: ۸۴.

زندگانی هر انسانی بوده و هماهنگ با طبیعت وی است. دربررسی‌ها ثابت شده، که میان صفات درونی و نوع ترکیب بنیه بدنی انسان یک ارتباط خاصی است، پاره ای از مزاج‌ها خیلی زود عصبانی می‌شوند و طبعاً به انتقام علاقه مندند و پاره ای دیگر شهوت شکم و غریزه جنسی در آنها زود فوران می‌کند و آنان را بی‌طاقت می‌سازد. و به همین منوال سایر ملکات که بر اثر اختلاف مزاج‌ها در بعضی‌ها خیلی سریع است و در بعضی دیگر خیلی کند و آرام.^۱

۴. در علم روانشناسی

روان‌شناسان چند راه را برای بررسی شخصیت در نظر گرفته اند:

۱. از راه بررسی خصوصیات ظاهری افراد.
۲. از راه تمایلات پنهانی که می‌توان آن‌ها را بر حسب غرایز، نیازها، ساختمان بدنی، مکانیسم و نظایر آن‌ها توصیف نمود.^۲
۳. بعضی از روان‌شناسان، شخصیت را از جنبه‌های بیوشیمیایی و فیزیولوژیکی کنش انسان مطالعه می‌کنند و از روش‌های مناسب برای پژوهش در این زمینه‌ها سود می‌جویند.^۳
۴. گروهی دیگر از روان‌شناسان در مطالعه شخصیت افراد، به رفتار مشهود آن‌ها توجه می‌کنند. و بعضی دیگر، شخصیت را با توجه به ویژگی‌هایی چون فرایندهای ناهشیاری تعریف می‌کنند که به طور مستقیم قابل مشاهده نیست و باید از رفتار استنباط شود.^۴

۲. تعریف ثبات شخصیت

۱. ثبات شخصیت در لغت

با توجه به اینکه واژه‌ی ثبات شخصیت مرکب از دو واژه‌ی ثبات و شخصیت است، پس برای درک بهتر باید معنای جداگانه بررسی کرد. واژه‌ی ثبات در لغت به معنای برجای ماندن، قرار

^۱ . طباطبایی، المیزان، ج ۱۸، ص ۳۴۲.

^۲ . جمال فر، سیاوش، روان‌شناسی شخصیت، ص ۱۲.

^۳ . جوادی، محمد جعفر، کدپور، پروین، روان‌شناسی شخصیت، ص ۶.

^۴ . همان، ص ۶.

دوست بد همنشین نشو؛ چراکه طبع تو بدی را از طبع او به سرقت می‌برد و تو خود نمی‌دانی.^۱ از نظر روان شناسی عامل مهم دیگری که تأثیر مهمی در شکل‌گیری شخصیت دارد، همسالان و دوستان هستند؛ پس از آنکه فرد دوره نوزادی و کودکی اول را پشت سر گذاشت و روابط اجتماعی او از محدوده والدین به دیگر اعضای خانواده فراتر رفت، نقش همسالان آشکار می‌شود. می‌توان گفت: در واقع، کودکان در دو جهان زندگی می‌کنند: جهان والدین و سایر بزرگسالان و جهان همسالان. در این میان، گروه همسالان مهارت‌های اجتماعی مهمی را به کودکان می‌آموزد که بزرگسالان به هیچ وجه، نمی‌توانند آنها را به کودک بیاموزند. گروه همسالان فرد را برای پذیرش قوانین و رفتارهای جدید اجتماعی آماده می‌کند و تجاربی را فراهم می‌نماید که تأثیرات طولانی‌مدتی بر شخصیت فرد می‌گذارد.^۲ می‌توان گفت همسالان به شکل‌های خاص بر شخصیت فرد تأثیر می‌گذارند. آنها از راه‌های منحصر به فرد و عمده، در شکل‌گیری شخصیت، رفتار اجتماعی، ارزش‌ها و نگرش‌های دیگر دخالت دارند. کودکان از طریق سرمشق‌دهی اعمالی که قابل تقلید است و با تقویت یا تنبیه پاسخ‌های خاص و یا ارزشیابی فعالیت‌های یکدیگر و بازخوردی که به یکدیگر می‌دهند، در یکدیگر تأثیر می‌گذارند. علاوه بر این، روابط بین همسالان تأثیرات نه چندان آشکاری در رشد کودکان دارد. برای مثال، بدون شک، موقعیت کودکان در میان همسالان و دوستی‌هایی که برقرار می‌کنند، در ثبات شخصیت تأثیر می‌گذارد.^۳

۴. جامعه

جامعه از عوامل مهم در ثبات شخصیت است، چون هر فرد در جریان عمل متقابل با دیگران دارای شخصیت می‌شود؛ عکس‌العمل‌های دیگران نسبت به کارهایی که فرد می‌کند، در پرورش شخصیت او تأثیر مستقیمی دارد، به گونه‌ای در صورت حضور او در اجتماع است که شخصیت انسان، شکل می‌گیرد و رشد می‌یابد. قابل به ذکر است که جامعه با بیان بایسته‌ها و نبایسته‌هایی که در دل خود به‌عنوان «فرهنگ» جای داده است در شکل‌گیری شخصیت انسان تأثیر قابل‌توجهی

^۱. همان، ص ۱۷.

^۲. همان، ص ۲۴۵.

^۳. همان، ص ۲۴۸.

دارد. جامعه بر اثر توقعاتش از فرد و تأیید و تصدیق و یا نهدی افراد جامعه از رفتارهای خاص، در تعیین نوع شخصیت فرد تأثیر فراوان دارد. فرهنگ به میزان متغیری در تشکیل شخصیت افراد اثر می‌کند و واکنش افراد نیز در مقابل فرهنگ جامعه متفاوت است. می‌توان گفت فرهنگ جامعه حدود پرورش شخصیت را تا اندازه‌ای معین می‌کند و هر فرهنگی نوعی شخصیت پرورش می‌دهد که با نوع شخصیت متعلق به فرهنگ‌های دیگر متفاوت است. از نظر روان‌شناسی اجتماعی نیز شخصیت انسان بر اثر جریان فرهنگ پذیری به وجود می‌آید و تکوین پیدا می‌کند و مفهوم شخصیت تا حدی نماینده جذب مواد و عناصر فرهنگ موجود در محیط اجتماعی است.^۱

می‌توان گفت در ایجاد ثبات شخصیت، نوع نگاه اسلام به انسان با نگاه روان‌شناسی متفاوت است و از همین رو، هرچند برخی عوامل مشترک وجود دارند، اما میزان و نوع تأثیر آنها می‌تواند متفاوت باشد. به دلیل آنکه روان‌شناسی به انسان به عنوان موجودی زنده در کنار سایر موجودات زنده می‌نگرد، به کمک روش تجربی خود، تنها آنچه را از انسان به تجربه و آزمایش درمی‌آید، مورد بحث قرار می‌دهد و به بعد معنوی و روحی انسان چندان اهتمام نمی‌ورزد و به تبع آن، نقشی برای تأثیرات معنوی و غیرمادی اهمیتی قائل نیست و همین مسئله عامل تمایز اسلام از روان‌شناسی است. از دیدگاه اسلام، انسان مرکب از جسم و روح است و جسم وسیله‌ای در خدمت روح است و از این رو، تأثیر عوامل منحصر به تأثیر ظاهری و تجربی آنها نیست، بلکه ضمن تأیید این نوع تأثیرات، معتقد به تأثیرات معنوی نیز هست. همچنین از نظر اسلام تأثیرات به تأثیرات ظاهری و تجربی منحصر نمی‌شوند، عوامل مؤثر بر شکل‌گیری شخصیت نیز منحصر به عوامل ظاهری قابل تجربه علمی نمی‌گردد و از همین رو، در اسلام از عوامل دیگری نیز سخن به میان می‌آید که از آن جمله، می‌توان به عامل ایمان و باور که یک عامل درونی است، می‌توان اشاره کرد. از دیدگاه اسلام، ایمان نقش مهمی در شکل‌گیری شخصیت انسان دارد؛ حضرت علی -علیه‌السلام- در این زمینه فرمودند: شخصیت انسان در گرو ایمان خود است ایمان تأثیرهای گوناگونی بر شکل‌گیری شخصیت انسان دارد که از جمله آنها آرامش و امنیت درونی است.^۲

^۱. دوان شولتز، نظریه‌های شخصیت، ص ۴۶۸-۴۶۵.

^۲. جواد آملی، تفسیر تنسیم، ج ۲، ص ۲۳۰.

نتیجه گیری

در این مقاله مهم‌ترین عوامل مؤثر بر شکل‌گیری شخصیت از دیدگاه اسلام و روان‌شناسان مورد بررسی قرار گرفت و این عوامل به دو دسته درونی و بیرونی تقسیم گردیدند. در بخش عوامل بیرونی، مهم‌ترین عوامل در بخش عوامل بیرونی خانواده، مدرسه، گروه همسالان و در بخش عوامل درونی، وراثت، اراده، بنیه و مزاج و جنسیت و سن از دیدگاه اسلام و روان‌شناسی می‌باشد. عامل بیرونی یعنی خانواده، دوستان و همسالان و مدرسه عامل درونی یعنی اراده، وراثت، جنسیت و سن بیشترین نقش را در شکل‌گیری شخصیت فرد ایفا می‌کند و در این در بین عوامل بیرونی گروه همسالان از مدرسه جدا شد، زیرا گروه همسالان هم شامل گروه دوستان مدرسه‌ای و هم شامل دوستان خارج از محیط مدرسه می‌شود که این دوستان خارج از محیط مدرسه از زمان کودکی تا زمان پیری می‌شود. در این مقاله دیدگاه اسلام با دیدگاه روان‌شناسی مورد مقایسه قرار گرفت و مشخص گردید که تعدادی از عوامل مطرح در روان‌شناسی شخصیت در اسلام نیز مورد توجه قرار گرفته‌اند با این حال، نوع تأثیر این عوامل از نگاه اسلام و روان‌شناسی می‌تواند متفاوت باشد؛ چه اینکه روان‌شناسی تنها از آثار قابل تجربه و آزمایش این عوامل سخن به میان می‌آورد و از آثار معنوی، که احیاناً قابل اثبات با روش تجربی نیستند بحث نمی‌کند؛ اما اسلام ضمن توجه به آثار تجربی و محسوس این عوامل، از آثار معنوی و غیر مادی آنها نیز سخن به میان می‌آورد و با توجه به جهان‌بینی خاص آن، این نوع تأثیرات تعیین‌کننده‌تر از سایر تأثیرات در شکل‌گیری شخصیت هستند.

فهرست منابع و مآخذ

۱. قرآن کریم
۲. احمدی، علی اصغر، روانشناسی شخصیت از دیدگاه اسلامی، تهران: انتشارات امیرکبیر، چاپ دوم، ۱۳۷۱ ه.ش.
۳. بابائی، احمدعلی، برگزیده ی تفسیر نمونه، قم: دارالفکر الاسلامی، ۱۳۹۱ ه.ش.
۴. پورافکاری، نصرت الله؛ فرهنگ جامع روان شناسی روان پزشکی انگلیسی - فارسی، ج ۲، تهران: ساوالان، ۱۳۸۷ ه.ش.
۵. پدرام، احمد؛ معروفی، محسن، دلواپسی‌های جنسی پدر، مادر، فرزند، تهران: انتشارات شهید حسین فهمید، ۱۳۹۱ ه.ش.
۶. پی شولتز، دوان، نظریه های شخصیت، ترجمه یوسف کریمی و دیگران، تهران، ارسباران، ۱۳۷۸ ه.ش.
۷. تمیمی آمدی، عبدالواحد، غررالحکم و دررالکلم، تحقیق میر سیدجلال الدین المحدث، الثالثة، تهران: جامعه طهران، ۱۳۶۰ ه.ش.
۸. جمال فر، سیاوش، روان شناسی شخصیت، تهران: سخن، ۱۳۸۹ ه.ش.
۹. جوادی، محمد جعفر، کدپور، پروین، روان شناسی شخصیت، تهران: سهامی چهر، ۱۳۹۲ ه.ش.
۱۰. جوادی آملی، عبدالله، تفسیر تسنیم، قم: اسراء، ۱۳۷۸ ه.ش.
۱۱. حرّ عاملی، محمدحسن، وسائل الشیعه، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۲ ه.ق.
۱۲. دهخدا، علی اکبر، فرهنگ لغت دهخدا، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۷ ه.ش.
۱۳. سبحانی، جعفر، منشور جاوید، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۶۴ ه.ش.
۱۴. شولتز، دوان، نظریه های شخصیت، ترجمه یوسف کریمی و دیگران، تهران: ارسباران، ۱۳۷۸ ه.ش.
۱۵. طباطبایی، محمدحسین، المیزان، محمدباقر موسوی همدانی، ج ۱۸ قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۶ ه.ش.

۱۶. عمید، حسن، فرهنگ فارسی، ویراستار عزیزالله عزیززاده، تهران: راه رشد، چاپ اول، هـ.ش. ۱۳۸۹
۱۷. فلسفی، محمدتقی؛ گفتار فلسفی، جوان از نظر عقل و احساسات، قم: انتشارات اسلامی، ۱۳۸۷ هـ.ش.
۱۸. فلسفی، محمدتقی؛ کودک از نظر وراثت و تربیت، قم: انتشارات اسلامی، ۱۳۹۰ هـ.ش.
۱۹. فی‌وش، رابین و گولومبوک، سوزان، رشد جنسیت، مترجم: مهرناز شهرآرای، تهران: انتشارات ققنوس، ۱۳۹۳ هـ.ش.
۲۰. قمی، عباس، سفینه البحار، بیروت: مؤسسه الوفاء، ۱۳۵۹ هـ.ش.
۲۱. کریمی، روان‌شناسی شخصیت، تهران: مؤسسه نشر ویرایش، ۱۳۷۸ هـ.ش.
۲۲. لارنس، جان پروین و ای، شخصیت نظریه و پژوهش، مترجم محمدجعفر جوادی و پروین کدیور، تهران: ارسباران، ویرایش هشتم، ۱۳۸۱ هـ.ش.
۲۳. ماسن، پاول هنری، رشد و شخصیت کودک، تهران: نشر مرکز، ۱۳۶۸ هـ.ش.
۲۴. محمدی، یحیی، نظریه‌های شخصیتی، تهران: انتشارات جاوید، ۱۳۹۱ هـ.ش.
۲۵. مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، قم: دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۱۵ هـ.ق.
۲۶. یادگاری، عبدالمهدی و عاقل فاخر؛ فرهنگ روان‌شناسی، تهران: ساوالان، ۱۳۹۳ هـ.ش.
۲۷. نجاتی، محمد عثمان، قرآن و روانشناسی، مترجم عباسی عرب، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۶۷ هـ.ش.
۲۸. نوری، مهدی، رشد و تکامل شخصیت، کرج: دانشگاه آزاد اسلامی، ۱۳۶۸ هـ.ش.
۲۹. وولف، دیوید، روانشناسی دین، مترجم: محمد دهقان، تهران: رشد، چاپ اول، ۱۳۸۶ هـ.ش.
۳۰. هاشمی، مجتبی، تربیت و شخصیت انسانی، تهران: امیرکبیر، ۱۳۸۹ هـ.ش.
۳۱. همت بناری، «شخصیت و مهمترین عوامل غیروراثتی شکل‌گیری آن»، قم: معرفت، شماره ۱۱۹، آبان ۱۳۸۶ هـ.ش.